



نخستین زائر مزار حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) که بود ؟

دوست بدار دوستدار آل محمد(ص) را تا هنگامی که دوستشان می‌دارد و دشمن بدار دشمن آل محمد(ص) تا هنگامی که دشمنشان می‌دارد؛ هر چند روزه‌دار و نمازگزار باشد.

دوست بدار دوستدار آل محمد(ص) را تا هنگامی که دوستشان می‌دارد و دشمن بدار دشمن آل محمد(ص) تا هنگامی که دشمنشان می‌دارد؛ هر چند روزه‌دار و نمازگزار باشد.

عنوان نخستین زائر تنها بر مردی شریف و عارفی کامل یعنی صاحبی بزرگ و برجسته، جابر بن عبد الله انصاری-رضوان الله علیه- منطبق است که به منظور زیارت قبر سید الشهدا(ع) از مدینه به کربلا رفت. بسیاری از علما تصریح کرده‌اند که او نخستین کسی است که عنوان زائر قبر حسین(ع) را کسب کرد؛ این شرافت و افتخار و ذخیره او را بس است.

شیخ مفید گوید: و در روز بیستم آن ماه (صفر)... روزی است که جابر بن عبدالله بن حزام انصاری، صاحبی رسول‌خدا(ص) برای زیارت قبر ابا عبدالله الحسین (ع) از مدینه به کربلا آمد؛ و او نخستین کس از مردم بود که آن حضرت را زیارت کرد.

و این مطلب را بسیاری از دانشمندان، از جمله شیخ طوسی، علامه حلی، شیخ رضی‌الدین حلی، کفعمی، مجلسی، محدث‌نوری و دیگران آورده‌اند.

جابر بن عبدالله انصاری و عطیه عوفی در کربلا

جابر بن عبدالله انصاری همان صاحبی جلیل القدری است که عبد الرحمن بن سابط درباره‌اش می‌گوید: همراه جابر بودم که حسین بن علی(ع) داخل شد. در این هنگام گفت: هر کس دوست دارد به مردی از اهل بیت(ع) بنگرد، به وی نگاه کند. گواهی می‌دهم که من این سخن را از زبان رسول خدا(ص) شنیده‌ام.

او از اهل معرفت بود و چون توفیق شهادت در رکاب امام حسین(ع) نصیب وی نگشت، برای ابراز محبت نسبت به آن حضرت و تجدید عهد و پیمان با ایشان و نیز برای اظهار مخالفت نسبت به سلطه حاکم، برای زیارت قبر شریف آن حضرت بار سفر بست.

شیخ ابو جعفر محمد بن ابی القاسم، محمد بن علی طبری از اعمش از عطیه عوفی چنین نقل می‌کند: همراه با جابر بن عبدالله انصاری برای زیارت قبر حسین(ع) حرکت کردم. چون به کربلا رسید، نزدیک ساحل فرات رفت و غسل کرد، آنگاه دوجامه به تن کرد و از همیانی، مقداری مشک برداشت و بر بدنش پاشید.

سپس با هر گامی که بر می‌داشت خدا را یاد می‌کرد، و چون به قبر نزدیک شد گفت: دستم را روی قبر بگذار؛ و من گذاشتم. او روی قبر افتاد و غش کرد. من مقداری آب بر او پاشیدم و چون به هوش آمد سه بار گفت: یا حسین(ع).

سپس گفت: آیا دوستی پاسخ دوستش را نمی‌دهد؟! و افزود: تو چگونه می‌توانی پاسخ دهی، و حال آنکه رگ‌های گردنت را بریده‌اند و میان پیکر و سرت جدایی افتاده است. من شهادت می‌دهم که تو پسر خاتم پیامبرانی و پسر امیر مؤمنانی و پسر هم پیمان تقوا و فرزند هدایتی؛ پنجمین اصحاب کسای؛ پسر سرور نقیبانی؛ پسر فاطمه برترین زنان جهانی، چگونه چنین نباشی و حال آنکه پرورده دست سرور پیامبرانی، و در دامن پارسایان پرورش یافتی و از پستان ایمان شیر خوردی و با اسلام از شیر بریده شدی. پس پاکیزه زیستی و پاکیزه مردی. اما دل‌های مؤمنان در فراق تو ناخوش است، در حالی که در خوبی حال تو شک ندارد.

سلام و خوشنودی خداوند بر تو باد. من گواهی می‌دهم که تو به همان راهی رفتی که برادرت یحیی بن زکریا رفت.

آن گاه چشم‌ها را دور قبر گرداند و گفت: سلام بر شما که در راه حسین(ع) فدا شدید و در رکابش جان باختید. گواهی می‌دهم که شما نماز را به پا داشتید و زکات را پرداختید، به معروف امر و از منکر نهی کردید. با کافران جهاد کردید و آن قدر خدای را عبادت کردید تا مرگتان فرا رسید. به خدایی که محمد(ص) را به پیامبری برگزید سوگند که ما نیز در آنچه انجام دادید شریکیم.

عطیه گوید: به او گفتم: ای جابر چگونه؟ و حال آنکه ما در دشتی فرود نیامدیم و از کوهی بالا نرفتیم و شمشیری نزدیک و این گروه میان سرها و پیکرهایشان جدایی افتاده است. فرزندان‌شان یتیم و زنان‌شان بیوه شده‌اند!

گفت: ای عطیه! از حبیب رسول خدا(ص) شنیدم که فرمود: هر کس گروهی را دوست بدارد با آنان محشور می‌گردد و هر کس از کار گروهی راضی باشد، با آنان شریک است. به خدایی که محمد را به حق به پیامبری برگزید، نیت من و نیت یارانم بر آن کاری است که حسین(ع) و یارانش کردند.

ما به سویی خانه‌های کوفه ببر. چون پاره‌ای راه رفتیم گفت: ای عطیه! گمان ندارم که پس از این سفر تو را ببینم، آیا می‌خواهی که تو را وصیتی کنم؟ دوست بدار دوستدار آل محمد(ص) را تا هنگامی که دوستشان می‌دارد؛ هر چند روزهدار و نمازگزار باشد. با دوستدار محمد و آل محمد(ص) مهربانی کن، چرا که اگر بر اثر گناه فراوان یک گامش بلغزد، با محبت آنان گام دیگرش ثابت می‌ماند (و جبران می‌گردد). دوستدار آنان به بهشت و دشمنان‌شان به دوزخ باز می‌گردند.

در این نقل چند نکته جای تأمل دارد:

1. عظمت معرفت جابر؛ و این به خاطر معرفت بالایی بود که نسبت به منزلت اهل بیت محمد(ص) داشت.

2. داشتن موضع مهم؛ آنجا که جابر، دشمنان امام حسین(ع) را در زمره ملحدان به شمار آورد.

3. ادب جابر نسبت به ابا عبد الله(ع)؛ و این نتیجه کمال معرفت وی بود. از این رو می‌بینیم که نخست غسل می‌کند و سپس بدنش را با مشک خوشبو می‌سازد، آن گاه در هر گامی خدا را یاد می‌کند. پس از لمس قبر بی‌هوش می‌شود و سپس سه بار فریاد یا حسین سر می‌دهد. نیز فرازهای زیارتش نشانگر میزان معرفتی که نسبت به رسول خدا(ص) و جانشین و نوه‌اش دارد.

4. از این نقل چنین استفاده می‌شود که جابر پس از زیارت به طرف خانه‌های کوفه رفت و از دیدارش با امام زین العابدین(ع) و دیگر اعضای خانواده حسین(ع) چیزی ذکر نشده است. تحقیق در این باره خواهد آمد.

سید بن طاووس کیفیت زیارت جابر از قبر ابا عبد الله الحسین(ع) و یاران با وفایش را به تفصیل آورده است که آن را به طور کامل در اینجا نقل می‌کنیم:

گوید: عطا گفت: روز بیستم صفر با جابر بن عبد الله همراه بودم. چون به غاصریه رسیدیم در نهر آنجا غسل کرد و لباس پاکیزه را که همراه داشت پوشید. آن گاه به من گفت: ای عطا! آیا عطری با خود داری؟ گفتم: مشک دارم. سپس سر و دیگر اعضایش را با آن خوشبو کرد و پیاده رفت تا نزد سر حسین(ع) رسید و سه بار تکبیر گفت و از هوش رفت.

چون به هوش آمد، شنیدم که می‌گوید: سلام بر شما ای خاندان خدا! سلام بر شما ای برگزیدگان خدا! سلام بر شما ای برگزیدگان از آفریدگانش! سلام بر شما ای سرور سروران! سلام بر شما ای شیرهای بیشه! سلام بر شما ای کشتی‌های نجات! سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، ای اباعبد الله!

سلام بر تو ای وارث علم انبیا! سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خداوند! سلام بر تو ای وارث نوح، پیامبر خدا! سلام بر تو ای وارث ابراهیم، دوست خدا! سلام بر تو ای وارث اسماعیل، قربانی خدا! سلام بر تو ای وارث موسی، هم‌سخن با خدا! سلام بر تو ای وارث عیسی، روح الله! سلام بر تو ای فرزند محمد مصطفی(ص)! سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی! سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا! سلام بر تو ای شهید و پسر شهید! سلام بر تو ای کشته فرزند کشته! سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی او! سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت او بر بندگان!

گواهی می‌دهم که تو نماز را به پاداشتی و زکات را پرداختی و به معروف امر و از منکر نهی کردی، با پدر و مادرت نیک کردی، با دشمنانت جهاد کردی. گواهی می‌دهم که تو سلام را می‌شنوی و به آن پاسخ می‌دهی؛ و اینکه تو حبیب، دوست، نجیب، برگزیده، و پسر برگزیده خدایی.

تو را با شوق زیارت کردم. پس نزد خداوند از من شفاعت کن ای آقای من! من به وسیله جدّ تو، سرور پیامبران و پدرت سرورجانشینان و مادرت سرور زنان جهان نزد خداوند شفاعت می‌طلبم. خداوند کسانی که تو را کشتند و آنها را که بر تو ستم کردند و با تو دشمنی ورزیدند و کینه‌ات را به دل گرفتند از اولین و آخرین لعنت کند.

آن گاه روی قبر خم شد و گونه‌ها را به آن سایید و چهار رکعت نماز گزارد. سپس بر سر قبر علی بن الحسین (ع) آمد و گفت: سلام بر تو ای مولای من و پسر مولای من! خداوند قاتل تو را بکشد! خداوند آن را که بر تو ستم کرد بکشد! من با دوستی شما به خداوند نزدیکی می‌جویم و از دشمنانتان نزد خداوند بی‌زاری می‌جویم.

سپس آن را بوسید و دو رکعت نماز به جای آورد و رو به قبور شهیدان کرد و گفت: سلام بر ارواح اقامت‌گزیده در کنار قبر ابا عبد الله (ع). سلام بر شما ای شیعیان خدا و شیعیان رسول او و شیعیان امیرمؤمنان و حسن و حسین! سلام بر شما ای پاکیزگان. سلام بر شما ای هدایتگران. سلام بر شما ای نیکان! سلام بر شما و بر فرشتگانی که پیرامون قبرهایتان می‌چرخند. امیدوارم خداوند ما و شما را در جایگاه رحمتش در زیر عرش جای دهد.

سپس کنار قبر عباس فرزند امیرمؤمنان (ع) آمد و ایستاد و گفت: سلام بر تو ای ابا القاسم! سلام بر تو ای عباس بن علی! سلام بر تو ای پسر امیر مؤمنان، گواهی می‌دهم که تو نصیحت فراوان‌کردی و امانت را ادا کردی و با دشمن خود و دشمن برادرت جهاد کردی. درود خداوند بر روح پاکت و خداوند به تو پاداش بهترین برادر را عنایت فرماید.

پس دو رکعت نماز گزارد و به درگاه خداوند دعا کرد و رفت.

این زیارت حاکی از میزان عظمت و معرفت و منزلت والای این صحابی بزرگ است

شیعه نیوز
محمدمبین پورامینی